

محمود کلاه‌چیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

فصلنامه آفاق امنیت / سال دوازدهم / شماره چهل و سوم - تابستان ۱۳۹۸

چکیده

مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر معیارهای سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت نظام در برگزیده محورهای پنج‌گانه امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران در دو بعد نرم و سخت است که رهاورد آن تضمین تمامیت ارضی، استقرار و الگوسازی شیوه حکومت و انسجام اجتماعی در فرایند تبدیل‌سازی ملت به امت اسلامی است. در این میان، نقش کارگزاران امنیت (رسمی - غیررسمی) در مکتب امنیتی براساس راهبردهای حفظ وضع موجود، واقعیت‌های موجود، فرصت‌محوری، دفاع تهاجمی و بازدارندگی در معادله‌سازی تهدید - فرصت و مدیریت امنیتی آن مبنای این نوشتار خواهد بود. هدف این مقاله، جانمایی کارگزاران امنیت در لایه‌های حاکمیتی و بیان مأموریت‌ها و وظایف آنان است. پرسش اصلی مقاله آن است که: «جایگاه و کارکرد کارگزاران امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی چیست؟» این مقاله از نظر روشی و به‌لحاظ ماهیت، کیفی است و به‌لحاظ هدف، کاربردی و از طریق روش گردآوری اسنادی (تحلیل محتوا) و قضاوت خبرگی (فن دلفی) اقدام به استخراج مدل مفهومی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه کارگزاران در دو بعد (رسمی و غیررسمی) نموده است. براساس روش بیان‌شده، چهار لایه: حکومت، امنیت اجتماعی، مکتب امنیتی نظام و امنیت پایدار ترسیم و بر مبنای آن کارگزاران امنیتی در لایه‌های چهارگانه فوق مشخص و تبیین شده‌اند.

واژگان کلیدی

مکتب امنیتی؛ امنیت پایدار؛ کارگزاران امنیت؛ کارگزاران رسمی و غیررسمی

در هر نظام سیاسی مردم‌سالار، وظیفه دولت تأمین امنیت ملی است. در واقع، برآیند تمامی وظایف و کارکردهای دولت در یک نظام سیاسی مردم‌سالار، تأمین امنیت ملی به مفهوم امنیت تمامی افراد جامعه است. بنابراین، می‌توان گفت که دولت، کارخانه‌ای است که محصول آن، امنیت است و همه ابزارها، اختیارات و قدرتی که در اختیار نهاد دولت قرار دارد، به‌منظور حصول این هدف اصلی است. دولت‌های مختلف برای تأمین امنیت ملی براساس برداشت و تعریفی که از آن دارند، سیاست‌ها و راهبردهای خاصی را تدوین می‌کنند.

در اسلام منشأ امنیت، خداوند است و هیچ قدرتی نیز جز به خواست خدا و از جانب او وجود ندارد. به‌عبارت‌دیگر، هیچ مرجع امنیت مستقلی در عالم وجود ندارد و همه موضوعات و منابع امنیت با موهبت الهی در سلسله‌مراتب ولایت و حاکمیت پدید می‌آید. به حکم قرآن حکیم، مرجع امنیت در حوزه ولایت تشریعی به ولی یا حاکم یعنی، «اولی‌الامر» تفویض می‌شود. تأکیدات اصلی اسلام در زمینه امنیت، عمدتاً شامل «امنیت نرم» و «منابع نرم تولید آن» است. ایمان مؤمنین و عمل صالحین و علم مسلمین از مهم‌ترین منابع پایداری امنیت در اسلام است (تجری و همکاران، ۱۳۹۳).

امنیت پایدار ملی در وضعیت و فضایی تحقق می‌یابد که یک ملت در آن وضعیت می‌تواند ارزش‌های حیاتی خود را به‌صورت مداوم حفظ کند و اهداف ملی خود در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در افق آینده قابل‌تحقق ببیند. در مباحث امنیتی و همچنین در تحقق آن، مفهوم «ماندگاری» از مفهوم «امنیت» جدایی‌ناپذیر است.

امنیت پایدار در نظام جمهوری اسلامی ایران باید در دو بعد نرم و سخت مورد مطالعه قرار گیرد که در عرصه نرم، عناصری چون اصل ولایت فقیه، اسلامیت نظام، مردم‌سالاری دینی، هویت دینی، صلح و آزادی، استقلال، قانون‌گرایی و حرکت براساس احکام اسلامی و توجه به محرومان و مستضعفان، مهم و مطرح است.

در بحث امنیت و امنیت پایدار واژه کارگزار امنیتی مشخص‌کننده بازیگران این حوزه در ترسیم و طراحی امنیت و بهره‌برداری آن در دو بعد امنیت‌سازی و امنیت‌سوزی خواهد بود.

بیان مسئله و سؤال تحقیق

کارگزاران ازجمله عناصر مؤثر در هر نظام سیاسی و مکتب فکری می‌باشند. شاید بتوان گفت تفکر و کارکرد کارگزار نشان‌دهنده سمت‌وسوی هر نظام در تفکر سیاسی و فرهنگ



ایجاد آن است. کارگزار امنیتی در ایجاد و ثبات امنیت نقش بسزایی داشته و شاید بتوان اذعان داشت که امنیت پایدار در گرو بسامدسازی این عنصر انسانی تعریف می‌شود. لذا فهم کارگزار امنیتی را باید در مکتب امنیتی آن نظام دنبال نمود. از این رو، در این نوشتار به دنبال آن هستیم که بدانیم: جایگاه و کارکرد کارگزاران امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی کجاست و وظایف و مأموریت‌های کارگزاران امنیت براساس این لایه‌ها چیست؟

باتوجه به رویکرد مدل‌سازی و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و قضاوت خبرگی، نوع تحقیق توصیفی - اکتشافی بوده، لذا فرضیه‌ای برای این تحقیق، متصور نیست.

اهداف پژوهش

۱. فهم کارگزار امنیتی را با چارچوب مکتب امنیتی آشنا ساخته و از طرفی با شناخت این فیزیک، وظایف و امور کارگزار را برای پیشبرد اهداف مکتب امنیتی مشخص می‌کند؛
۲. تعیین مدل کارگزار امنیتی در مکتب امنیتی ج.ا.ا؛
۳. تبیین کارکردها و مأموریت‌های امنیتی در چارچوب مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

روش تحقیق

روش تحقیق، مدل‌بینی از یک پدیده واقعی است. به عبارت دیگر، مدل، تجریدی از یک دستگاه فیزیکی یا خاصیتی از آن ساختار یا یک مفهوم است. مدل مفهومی یک نمایش از سیستم است که توسط ترکیبی از مفاهیم برای کمک به درک، فهم، یا شبیه‌سازی یک موضوع استفاده شده است. مدل‌سازی مبتنی بر نظریه به روش‌های مدل‌سازی گفته می‌شود که داده‌های کیفی، یعنی گزاره‌های زبانی را جهت ساخت مدل سیستم به کار می‌گیرند. مدل‌سازی در تحقیقات علوم انسانی از داده‌های کمی و اطلاعات کیفی یعنی نظریات کارشناسانه یا قضاوت‌های نخبگی و تحلیل محتوا که شامل مبانی نظری و چارچوب‌های نظری تحقیق می‌شوند، بهره برده است (بیطرف، ۱۳۸۹: ۱۷). در چارچوب بیان شده، این مقاله از نظر روشی، به لحاظ ماهیت، کیفی است و به لحاظ هدف، کاربردی و از طریق روش گردآوری اسنادی (تحلیل محتوا) و قضاوت خبرگی (دلفی) اقدام به استخراج مدل مفهومی نموده است.

اهمیت و ضرورت

«تمرکز تهدیدهای امنیت پایدار و شناخت دقیق آنها»؛ در مدت ۴۰ سال حکومت اسلامی

نشان می‌دهد که نباید در جهت تأمین و تحقق امنیت، هر نظمی را پذیرفت. برای تأمین شاخص‌های امنیت پایدار باید تبعیت از احکام و ارزش‌های اسلامی، مبنا قرار گیرد که این امر، مستلزم تلاش مضاعف حکومت و مردم است، تا بتوان تهدیدهای امنیت پایدار را با انسجام مردم با هویت اسلامی - ایرانی، بی‌اثر و کم‌اثر کرد. اصول و شاخص‌های امنیت پایدار به ترتیب اهمیت عبارتند از:

- اول، افزایش مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی؛
- دوم، رفع تفرقه میان مردم و نخبگان؛
- سوم، توسعه احساس امنیت از جهت اجتماعی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی و روانی (قیصری و حسینی، ۱۳۹۲).

بنابراین، در قدم اول ضروری است، مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای چارچوب تفکر معمار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) تنظیم شود و در مرحله بعد، کارگزاران این مکتب در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توصیف و تحلیل قرار گیرند. در یک جمع‌بندی درخصوص اهمیت و ضرورت این تحقیق می‌توان دو دسته دیدگاه ایجابی و سلبی را برای آن برشمرد:

الف. جنبه ایجابی

- مدل‌سازی کارگزار امنیتی به‌عنوان سبک حکومت؛
 - ایجاد وحدت و همدلی به همراه شرح وظایف؛
 - ترسیم نقش و جایگاه کارگزاران در مناصب حکومتی.
- ب. جنبه سلبی
- مدیریت کاهش و تحدید اختلافات و موازی‌کاری در فعالیتهای حاکمیتی؛
 - ازمیان‌بردن شکاف‌های گفتمانی در میان کارگزاران؛
 - جلوگیری و ممانعت از ضربه‌پذیری کارگزاران امنیتی.

پیشینه تحقیق

در مبحث کارگزاران امنیتی متن مشخصی یافت نشد. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، خانم مهناز صابردوست باعنوان "تحلیل سیاست خارجی ایران در حوزه مسائل هسته‌ای براساس چارچوب ساختار کارگزار ۱۳۴۸ - ۱۳۹۰" تعریف کارگزار همان بازیگر منطقه‌ای لحاظ شده (صابردوست، ۱۳۹۰) که از حوزه بحث ما خارج است و منبع دیگری که در این خصوص به مبحث کارگزار پرداخته، نامه ۵۳ نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است که به بایدها و نبایدهای کارگزار اشاره دارد (قاضی‌زاده، ۱۳۸۳، ج ۱). منبع سوم نیز



کتاب امنیت در قران و سنت به قلم جمعی از نویسندگان است که در دو صفحه، مجدداً در بحث کارگزاران، نامه ۵۳ نهج‌البلاغه را مورد تحلیل قرار داده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳). از این رو، می‌توان گفت عنوان انتخاب‌شده در حد خود بدیع و نو می‌باشد.

چارچوب نظری

درک و فهم امنیت دربرگیرنده یک رابطه دوسویه است: در یک سمت دولت‌ها و برداشت آنها از امنیت قرار دارد و در سمتی دیگر، خود دولت‌ها محیط داخلی نظام بین‌الملل بوده و تحت تأثیر و تأثر آن قرار می‌گیرند. بنابراین، می‌توان گفت، شکل‌گیری نظام‌ها، بدون ارجاع به جامعه خود و محیط‌های پیرامونی از درک امنیت و رویکردهای آن امکان‌پذیر نیست، در این خصوص، یکی از اندیشمندان امنیتی کشور بر این باور است که: "هر نظامی - چه نظام اجتماعی و چه دیگر نظام‌ها - دو بخش دارد؛ یک بخش ساختاری و یک بخش کارکردی یا همان کارویژه‌های نظام. عناصر مختلف با روابط و نظم تعریف‌شده‌ای دورهم جمع می‌شوند و ویژگی مشترک همه آنها، این است که می‌خواهند به تحقق هدف واحدی کمک کنند. لذا عواملی که باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از: نحوه کنارهم قرار گرفتن و چینش این عناصر، اجزا و ارتباط آنها با هم و اینکه همه آنها فعال باشند تا نظام بتواند کارویژه‌اش را انجام دهد و هدفش را برآورده سازد. هر کدام از بخش‌های ساختاری و کارکردی در شکل‌دهی به نظام سیاسی از گفتمان حاکم تبعیت کرده و مبنای ایجاد مکتب امنیتی (بر محوریت گفتمان اسلامی) را که در برگیرنده چهار محور اساسی است، در دستور کار قرار می‌دهد:

محور اول مربوط می‌شود به دلایل تشکیل و تأسیس این ساختار. هر مکتبی که از نظام سیاسی صحبت می‌کند باید به‌عنوان مقدمه ورود به این بحث، به ما بگوید که چه انتظاری از نظام سیاسی دارد؟ چون اصل تشکیل مجموعه‌ای با نام دولت، محل بحث نیست و غیر از اقلیتی که قائل به عدم ضرورت تشکیل دولت هستند، عمده انسان‌ها و مکتب‌ها به ضرورت نظام سیاسی به‌معنای عام و مطلق قائلند؛ حالا یا از باب اینکه انسان را مدنی بالطبع می‌دانند و یا از جهات دیگر. لذا وقتی از نظام سیاسی اسلام صحبت به‌میان می‌آید، به این معناست که غیر از اینکه ما به نظام سیاسی و دولت احتیاج داریم، چه ضرورتی ایجاب می‌کند که این نظام سیاسی، اسلامی باشد.

محور دوم در حوزه مباحث ساختاری به مرزهای نظام سیاسی مربوط می‌شود و اینکه این مرزها می‌تواند حوزه‌های عقیدتی، جغرافیایی، نژادی و غیره را شامل شود. به‌هر حال از منظر اسلام هم ما باید به این سؤال پاسخ دهیم.

محور سوم، مسائل در برگرفته عناصر نظام سیاسی است. اگر اسلام نظریه‌ای درباره نظام سیاسی داشته باشد، باید بتواند عناصر این نظام سیاسی را هم مشخص کند و به طور مشخص باید به ما بگوید که کدام یک از عناصری را که مطرح می‌کند، کلیدی است و کدام یک اقتضایی و فرعی؛ کدام عناصر فرامانی‌اند و کدام عناصر زمان‌مند.

و محور چهارم به عناصر قدرت در نظام سیاسی مربوط می‌شود که اگر اسلام نظام سیاسی دارد، باید به ما بگوید که شبکه قدرت در این نظام سیاسی چگونه تعریف می‌شود؟ سلسله‌مراتب قدرت به چه صورت است و چگونه چیده می‌شود؟ چه کسانی می‌توانند وارد قدرت بشوند؟ و سؤالاتی از این دست.

این چهار محور، محور مباحث ساختاری نظام سیاسی را تشکیل می‌دهند؛ یعنی اگر ما به این چهار سؤال پاسخ دهیم، به لحاظ ساختار، نظام سیاسی ما کامل است. در این صورت است که مکتب نظام، شکل گرفته و در ایجاد تأمین و رفع تهدید (ایجابی و سلبی) مکتب امنیتی لحاظ می‌شود" (لکزایی، ۱۳۹۰).

در بررسی مکاتب مختلف امنیتی (خسروی، ۱۳۹۱: ۷۰ - ۳۶) در ادبیات غربی راسیونالیسم، سازه‌گرایی، انعکاس‌گرایی و پست‌مدرنیسم رادیکال مطرح شده است (قیصری، ۱۳۹۳: ۴۳) که باتوجه به مباحث این نوشتار و نگاه نگارنده به علاوه مباحث فقه و امنیت در اسلام (لکزایی، ۱۳۹۰)، مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران^۱ با دو مکتب ایده‌الیسم و رئالیسم مقایسه می‌شود، ملاک انتخاب این دو مکتب تأثیر تاریخی و پایه‌ای بوده و رویکرد ساختاری در قسمت بررسی کارگزار مورد مطالعه قرار خواهد گرفت:

انسان‌شناسی: رئالیسم: انسان‌شناسی بدبینانه (انسان گرگ انسان است).

ایده‌الیسم: انسان‌شناسی خوشبینانه (انسان نیک مطلق است).

اسلام: انسان ماهیتی ترکیبی دارد (فطرت + غریزه).

معرفت‌شناسی: رئالیسم: قدرت‌محور (قدرت، حقیقت را مطابق خواست خود جعل می‌کند).

ایده‌الیسم: عقل‌محور (هرمنوتیک و تفهم).

اسلام: شرع‌محور (معرفت اصلی، آن است که وحی می‌گوید).

سیاست و امنیت: رئالیسم: دولت‌محور (مرجع امنیت و هدف از امنیت، حفظ دولت و منافع ملی است).

۱. باتوجه به اینکه مبحث اصلی این نوشتار بر کارگزاران بود، سعی شده است، شاخص‌ها و نقطه تمایزات مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران از نوشتارهای موجود استخراج شود. از این رو، پرداختن به مباحث مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران فصلی مجزا می‌طلبید که از حجم و موضوعیت این نوشتار خارج بوده است.



ایده‌الیسم: فردمحور (مرجع امنیت، انسان و فرد است؛ با حفظ دولت‌های ملی).
اسلام: خدامحور (مرجع امنیت، به‌ترتیب عبارت است از: دین، عقل، جان، مال و دارالاسلام. امنیت ابزاری است برای عبادت خداوند).

رویکرد جهانی: رئالیسم: جنگ‌محور.

ایده‌الیسم: صلح‌محور.

اسلام: دعوت‌محور (مبنای سیاست بین‌المللی اسلام "دعوت به سبیل‌الله" است. لذا اگر بر سر راه این دعوت، مانعی قرار نگیرد اصل صلح و آرامش است، اما اگر مانعی به‌وجود آید و کسانی با ایجاد رابطه یک‌طرفه مانع از تبلیغ حق شوند، اجازه مجاهدت صادر می‌گردد).

استدلال: رئالیسم: ۱. ترس انسان از انسان. ۲. قدرت‌طلبی انسان.

ایده‌الیسم: آزادی + تأمین اخلاق - صلح

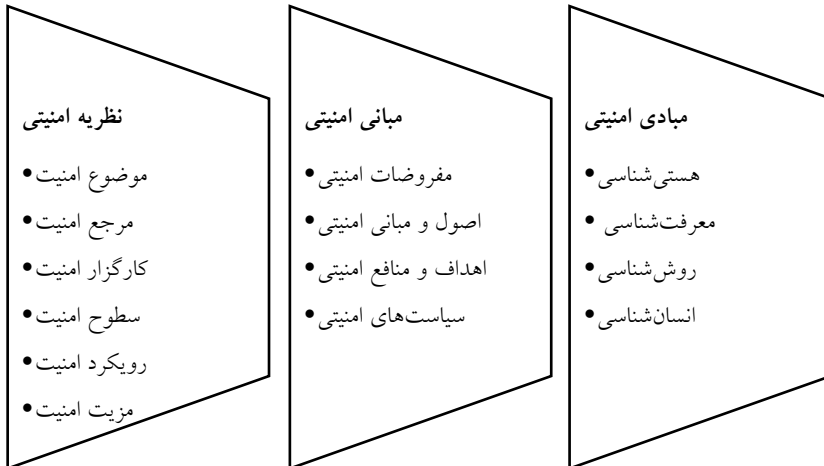
اسلام: تقدم فطرت بر غریزه - صلح

تقدم غریزه بر فطرت - جنگ

واقعیت جهان - نه صلح دائم و نه جنگ دائمی. وجود احتمال هر دو.

نتیجه - لزوم آمادگی برای هر دو

در این بین آنچه می‌تواند نشان‌دهنده مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران باشد در ابتدا معیارهای دینی و ارزشی نظام جمهوری اسلامی ایران است که مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت نظام بوده و در چارچوب اجزای سه‌گانه مبادی امنیتی، مبانی امنیتی و نظریه امنیتی به شکل زیر ترسیم خواهد شد:



نمودار ۱. اجزای به‌هم‌پیوسته مکتب جمهوری اسلامی ایران (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۹)

چارچوب امنیت پایدار در گفتمان مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

در این قسمت به جهت اینکه مباحث نظری مکتب‌های امنیتی در قالب گفتمان حضرت امام (ره) مورد بررسی قرار گیرد، ابتدا به بررسی گفتمان‌های مطرح در امنیت و سپس گفتمان حضرت امام (ره) اشاره و ابعاد مختلف امنیت در این دیدگاه بررسی می‌شود.

غالباً در ظرف یک گفتمان یا نظام معنایی خاص، مکاتب فکری شکل می‌گیرد و بالعکس افراد یا گروهی با باورهای مشترک (مکتب فکری) به مبانی و مفروضات پایه‌ای (پارادایم) و... در راستای طرح و بسط یک گفتمان جدید و نوپدید اقدام می‌نمایند. از بعد مطالعات جامعه‌شناختی دو نوع رویکرد یا گفتمان در مورد امنیت وجود دارد:

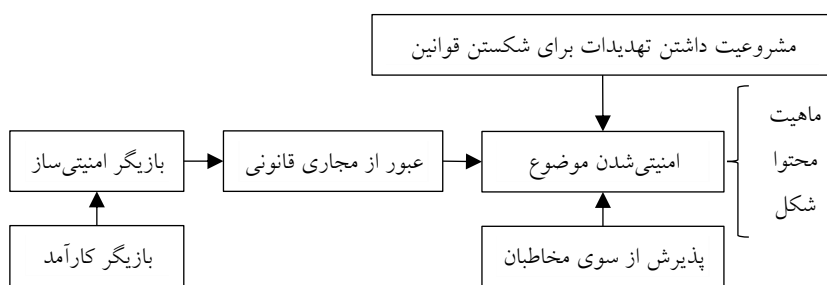
گفتمان سلبی: در این گفتمان فقدان امنیت و یا نبود امنیت در نظام باعث شده که پدیده‌ای به نام تهدید به وجود آید. راهبرد اصلی در این رویکرد امنیتی، تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان است. از این دیدگاه جنگ، ادامه سیاست البته با ابزار و وسایلی دیگر به شمار می‌رود و به زمامداران توصیه می‌شود برای افزایش ضریب امنیتی قلمروشان، در تجهیز و تقویت سازوکار و توان جنگی خودکوشا باشند. در این دیدگاه، امنیت در نبود تهدید نظامی معنا می‌شود و بنابراین سیاست امنیتی متوجه دستیابی به حداکثر توان نظامی برای تفوق بر دشمنان داخلی و خارجی کسب امنیت است. این موج به اقتضای ماهیتش طیف متنوعی از صاحب‌نظران را دربر می‌گیرد که شاخص‌های اصلی آنها رویگردانی از محوریت عامل نظامی در تعریف و تحدید امنیت است. بر این اساس می‌توان این نوع امنیت را در جدول ذیل خلاصه کرد:

امنیت	وجه امنیت	نگرش	ابزار
نبود تهدید	نظامی، اقتصادی	عینی و بیرونی	قدرت و زور

با توجه به آنچه گذشت، وجه سلبی امنیت و سازوکارهای آن در جدول فوق آمده است. چنانکه ملاحظه می‌شود، خلاصی در مقابل وجوه گوناگونی از خطرات تلقی شده است؛ به عبارت دیگر بر وجه رهایی از خطر و تهدید به عنوان حوزه معنای امنیت تأکید شده است. پس امنیت را می‌توان توانمندی ایجاد شرایط عاری از خطر و مشکلات تعریف کرد. این تعریف از امنیت مبتنی بر نگرش عینی و واقع‌بینانه از خطرات فیزیکی و مادی خارجی است؛ یعنی خطرات شامل موضوعات ملموس و مشخصی چون جنگ، خشونت، آشوب و غیره هستند (نوبدینیا، ۱۳۸۸: ۲۷ - ۲۶). تهدیدات در رویکرد سلبی دارای ویژگی‌هایی است: ۱. مقولاتی هستند که از ناحیه فضای بیرونی تولید می‌شوند؛ ۲. دارای ماهیت



سخت‌افزاری هستند؛ ۳. از نظر چهره و گونه قابل تهدید نیستند و متناسب با شرایط و امکانات تحول می‌یابند؛ ۴. در وضعیت تراکمی قرار دارند؛ یعنی چهره‌های جدید، چهره‌های قدیم را از بین نمی‌برند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۸). در این حوزه مبحثی تحت عنوان امنیتی‌شدن موضوعات مطرح می‌شود که در مکتب کپنهاگ جایگاه ویژه‌ای دارد. شاید بتوان جایگاه بازیگر امنیتی را در این حوزه در نمودار زیر نشان داد.



امنیتی‌شدن موضوعات (فینیزاده بیدگلی، خادم دقیق، شفیعی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۴)

گفتمان ایجابی: در این رویکرد، امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود، بلکه با وجود تهدید در سطح نظام، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و درخواست‌های نظام و حاکمیت با تمام ابعادش مدنظر قرار می‌گیرد. در این گفتمان، امنیت به‌نوعی ماهیتی تأسیسی دارد که در جامعه و نظام باید توسط خود شهروندان ایجاد شود. در یک نگاه کلی این رویکرد بر این مبناست که نظام به مرحله قابل‌قبولی از آگاهی و تحصیل و دانش رسیده است که برای پاسداری از منافعش بتواند خود از آن حراست و نگهداری کند. در این گفتمان «امنیت، توانایی و شرایط عینی را شامل می‌شود که در آن بستر می‌توان به منافع همگانی دست یافت. گفتنی است که مطابق این تفسیر، مفهوم امنیت نسبت به منافع عمومی نیز از اولویت برخوردار است؛ چراکه تحقق یا عدم تحقق منافع جمعی در گرو بود یا نبود امنیت است. براین‌اساس جامعه‌ای که در عین درگیر نبودن با تهدید خارجی یا داخلی، توان لازم را برای دستیابی به منافع جمعی‌اش نداشته باشد، امنیت ندارد و ناامن گفته می‌شود. گفتمان ایجابی را باید گفتمانی تازه در حوزه مطالعات امنیتی به‌شمار آورد که بیش از دو دهه از عمر آن نمی‌گذرد (نویدینا، ۱۳۸۸: ۲۷). براین‌اساس این نوع امنیت را می‌توان در جدول ذیل خلاصه کرد.

ابزار	نگرش	وجه امنیت	امنیت
اطلاعات و بینش	ذهنی و درونی	اجتماعی - فرهنگی	کسب فرصت

با توجه به آنچه که از گفتمان ایجابی در سطور بالا ذکر شد، وجه غالب این گفتمان معطوف به خطر نیست. به این معنا که این رویکرد بر ابعاد آرامش، اطمینان و آسایش به عنوان حوزه معنایی از امنیت تکیه کرده است. بنابراین، امنیت را می توان ظرفیت بهره مندی از فرصت ها و تضمین منافع و ارزش ها دانست. در واقع، این تعریف بر نگرش ذهنی و تفسیرگرایانه از خطرات غیرمادی مبتنی است. در واقع خطراتی چون اجبار و تحمیل، تبعیض و هر آن چیزی که مانع ترقی و پیشرفت باشد و به تحقق آرامش و اطمینان لطمه وارد می کند، باعث از بین رفتن این گفتمان از امنیت خواهد شد.

با توجه به این نوع گفتمان های غالب در بحث امنیت، باید به این مبحث اشاره کنیم که امنیت پایدار، نیازمند توانایی های نرم افزاری در کنار سخت افزاری است. با توانمندی های نرم افزاری توان مقابله با انواع خطرات تصور شده و در واقع در جامعه مدرن، هر چه استفاده از ابزارهای معرفتی و اطلاعاتی از سوی نهادهای آموزشی و ارتباطات جمعی در اختیار شهروندان قرار گیرد و همچنین سازوکارهای درونی کردن و جامعه پذیری به عنوان سازوکارهای اصلی تحقق امنیت در بعد ایجابی بیشتر در جامعه ارتقا داده شود، امنیت بیشتر بستر سازی خواهد شد. با توجه به این گفتمان ها در پایان، بحث امنیت براساس این دو نوع رویکرد، طی جدول زیر مقایسه شده است.

نوع گفتمان مؤلفه	گفتمان سلبی (منفی)	گفتمان ایجابی (مثبت)
امنیت	فقدان تهدید و خطر	کسب فرصت و منافع
وجه امنیت	اولیت با نظامی گری نسبت به سایر ابعاد	اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و....
نگرش	عینی - بیرونی	ذهنی - درونی
ابزار	قدرت و زور	اطلاعات و بینش
هدف	بقا و ادامه حیات	تکامل و توسعه
نوع امنیت	سخت افزاری	نرم افزاری

باتوجه به آنچه در جدول، ملاحظه می شود. تحقق امنیت (امنیت پایدار) ضامن توجه به هر دو گفتمان امنیتی است و تأکید بر یک گفتمان و غفلت از دیگر گفتمان، موجب تزلزل در پایداری و قوام امنیت می شود. استمرار امنیت در بستری پایدار و مداوم، نیاز به این دارد که توجه همه جانبه ای به خطرات زندگی داشت که با تجمیع گفتمان های امنیت



تأحدودی این امر میسر خواهد شد.

باتوجه به محورهای تفکیک‌شده در دو بعد سخت و نرم برای تکمیل چارچوب گفتمان مکتب امنیتی نظام باید به‌دنبال یک مدل مفهومی بود. در این نوشتار، مکتب امنیتی امام خمینی(ره) مدل مفهومی است که کارگزاران امنیتی در چارچوب این مکتب بررسی خواهند شد.

در مکتب امنیتی حضرت امام(ره)، برای مفهوم امنیت از عدم خوف، تصدیق، طمأنینه، عدم خیانت و پناه‌دادن نام برده شده است. این استنباط از وجوه مفهوم عام امنیت در قرآن گرفته شده است:

الف. امنیت گویای سنتی الهی و نعمتی است که مردم بدان آرموده می‌شوند.

ب. امنیت حالتی آگاهانه دارد و اطمینان و عدم توقع ناگواری در آینده، در آن نهفته است.

ج. طبیعت امنیت به‌عنوان احساس یا درک، مستلزم موجود زنده انسان یا غیرانسان است و از این‌رو، اسلام تأکید دارد بر اینکه زندگی انسان و موجودات زنده دیگر که به تسخیر خدمت و منفعت انسان درآمده‌اند، در پوشش امنیت قرار گیرد.

د. همان‌گونه که امنیت هیچگاه از زمان حال و آینده جدا نمی‌شود، از مکان نیز جدا نمی‌گردد و برای درک اهمیت اعتبار مکان، به‌عنوان عاملی اساسی در امنیت، باید به تفسیر علت اعطای صفت به برخی اماکن مقدس که خدا آن را حرم امن یا سرزمین امن نام نهاده است، توجه کنیم.

هـ. عدم خیانت یکی از صریح‌ترین معانی واژه امن است؛ خداوند در سوره نساء در این خصوص می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» خدا به شما دستور داده است امانت را به اهلیش بازگردانید و در امانت خیانت نکنید و در سنت شریف «امن» و «خیانت» دو طرف نقیض هستند (نسا/۵۸).

و. پناه‌دادن. چنانکه در قرآن آمده است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» در این آیه، کلمه «امن» یعنی مفهوم «آجاره» پناه‌دادن به‌کار رفته است (لک‌زایی، ۱۳۸۵).

مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در گفتمان امنیتی امام(ره)، برگرفته از آیات قرآنی و روایات منقول از معصومین علیهم‌السلام است. بنابراین، موضوع به‌صورت توأمان تبیین می‌شود تا از مبانی متافیزیک مؤثر بر اندیشه‌های امام(ره)، دریافت مناسبی داشته باشیم.



امام خمینی، بنابر آیات الهی قرآن مبنی بر اسوه و الگو بودن پیامبر اسلام (ص)، کلام تلاش و همت خود را در پیروی از سیره رسول الله صلی الله علیه و آله مبذول می‌کند و در نقد و رد دیدگاه‌های بسیاری از افراد و حتی روحانیون متحجر، بیش از همه به سیره عملی پیامبر اسلام و ائمه اطهار (ع) ارجاع می‌دهد. در سیره امنیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، منشأ اصلی تهدید موانع درونی، امنیت انسان و جامعه انسانی است. از این رو، در بحث امنیت فردی جزء تهدیدها به حساب می‌آید و در حوزه جهانی، «ظلم به خود» و به تعبیر دیگر کمال تهدید می‌باشد. در فرمایش پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در خصوص «ظلم به دیگران»، استبداد، استکبار و در یک کلام جهاد اکبر و اصغر نیز اشاره به چنین مضمونی است. اهم اصولی که در تأمین امنیت مورد توجه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بوده است، عبارتند از صلح‌طلبی و پرهیز از تعصب در برخورد با مخالفان، مبارزه با جنگ‌افروزان و فتنه‌انگیزان، پرهیز از استبداد و اجبار، ظلم‌ستیزی، پایبندی به پیمان و برخورد با پیمان‌شکنان، پایبندی به قوانین الهی، درآمیختن نرمش و قاطعیت، برقراری عدل و قسط و انفاق و رسیدگی به فقرا و محرومان.

از دیدگاه اسلام، جهان عرصه نبرد ولایت الهی با ولایت طاغوت است. عرصه نبرد عدل و حق با ظلم و باطل است. بنابراین، امنیت موردنظر اسلام در پرتو گستره نور امنیت اسلام و تعدیل و حذف ولایت طاغوت از جامعه انسانی است. قرآن کریم در ترسیم این دو جریان، می‌فرماید: «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات...: خداوند، سرپرست و صاحب‌اختیار کسانی است که ایمان آورده‌اند و ایشان را از تاریکی‌ها بیرون برده، به سوی نور هدایت می‌کند و در مقابل، کسانی که کافر شدند، افراد سرکش، سرپرستی و اختیار آنان را به دست می‌گیرند و آنها را از نور به سوی تاریکی می‌کشاند».

کاوه میرخانی در مقاله خود تحت عنوان مکتب امنیتی امام خمینی (ره) چارچوب این مکتب امنیتی را تشریح می‌کند:

مرجع امنیت: دو راهبرد دولت‌محور و توده‌محور در این خصوص معرفی شده است. در راهبرد نخست، دولت‌ها مرجع امنیت هستند و مدیریت افکار عمومی شکل‌دهی به خواسته‌های مردم منطبق با آن اهداف قدرت سیاسی، تجلی می‌یابد. در راهبرد دوم، مرجع امنیت مردمند و قدرت سیاسی تأمین امنیت را در تأمین خواسته‌های مردم می‌بیند (افتخاری و قدرت‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۳). مرجع امنیت از منظر حضرت امام (ره) دارای سه کانون اصلی است، به طوری که در تعامل با همدیگر یک کل را تشکیل می‌دهند و در شرایط زمانی و مکانی مختلف، هریک از کانون‌ها، خود را به‌عنوان پاسخ‌دهنده به سه سؤال



اساسی، یعنی: «امنیت چه کسی تأمین شود»، «امنیت توسط چه کسی تولید شود» و «امنیت را چه کسی تعریف می‌کند» معرفی می‌کند.

امام، ذات اقدس الهی را مرجع اصلی و ذاتی در تعریف و تبیین امنیت می‌دانند که عینیت آن در اسلام و جمهوری اسلامی تبلور می‌یابد که هم از جهت وضع و شرح امنیت و هم از جهت حفظ باید در کانون توجهات قرار داشته باشد و از آن حفاظت گردد. بنابراین، گرچه مرجع اصلی امنیت در حکومت مبتنی بر دین، کلام خدا و روایات وارده پیامبر(ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام است، لیکن به معنای عینی می‌توان مرجع امنیت را در ایده حکومت (جمهوری اسلامی)، نهادها (ولایت مطلقه فقیه، قوای سه‌گانه، روحانیت و سایر...) و پایگاه اجتماعی (مردم، گروه‌ها، جریانات، مستضعفان و پابرهنگان داخلی و خارجی) با محوریت اسلام ناب تعریف نمود (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۸۸ - ۸۷).

موضوع امنیت

در مجموع می‌توان از سه رویکرد می‌توان به موضوع امنیت پرداخت که عبارتند از:

- الف. بعدمحور، شامل شناخت موضوع امنیت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی، اخلاقی (دین)، امور قضایی و ...
- ب. فضا محور یا شناخت موضوع امنیت در هریک از فضاها، شامل فضاهای اجتماعی، سیاسی، امنیتی و نظامی.
- ج. رویکردمحور یا نحوه شناخت موضوع امنیت از منظر ایجابی و سلبی (بهنام، ۱۳۸۹: ۷).

آنچه با استناد به برخی بیانات و دیدگاه‌های حضرت امام به آن خواهیم پرداخت، بررسی ابعاد و سطوح مختلفی است که می‌توان برای امنیت قائل شد.

۱. امنیت فردی: در نگاه امام، امنیت پیش از همه در بعد فردی معنا می‌یابد و اگرچه جمع و امنیت جمعی، همچون هویت جمعی بر فرد و امنیت شخصی مقدم است، اما امنیت جمعی همچون هویت جمعی، متضمن امنیت فردی و ضامن سعادت تک‌تک افراد است (فوزی، ۱۳۷۹: ۷۳).

۲. امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا، عدالت و رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها و دفاع از محرومان و مظلومان و برخورد با مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و تأمین رفاه و معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و گسترش حاکمیت عدل و قانون با معیارهای الهی جستجو کرد (دری، ۱۳۸۱: ۲۱۴). ابتکار، خلاقیت و شکوفایی استعدادهای افراد تنها در سایه آسایش فکر و امنیت جان و مال و ناموس و ایجاد فرصتی امن و برابر برای همگان امکان‌پذیر است. از این‌رو، امام خمینی(ره) به دستگاه‌های قضایی، امنیتی و



حکومتی، توصیه‌هایی برای مراعات امنیت مردم دارد: «از شورای عالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم‌انگیزی درآمده بود، با جدیت سروسامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست، عدالت اسلامی است، از این کرسی پراهمیت کوتاه نکنند.» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۲۴).

۳. امنیت سیاسی: امنیت سیاسی به معنای وجود فضای سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف دولت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند. درحقیقت، بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. نحوه توزیع قدرت و شکل رژیم سیاسی در این مورد اهمیت دارد (لکزایی، ۱۳۸۵). امام خمینی همواره بر آزادی سیاسی افراد و آزادی بیان تصریح و تأکید داشتند و آن را از ابتدایی‌ترین حقوق بشر در نظر اسلام تبیین می‌کردند. امام با تصریح و استناد به آیات الهی و روایت ائمه اطهار، بر آزادی و شئون مختلف آن تصریح می‌نمایند. ازاینرو، در نظر ایشان، محدوده آزادی و موارد ممنوعه آن را نیز اسلام تعیین می‌کند (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۹۲).

۴. امنیت فرهنگی: در گفتمان امام خمینی(ره)، فرهنگ هر جامعه رکن رکین آن است و ازاین‌رو، رواج فرهنگ غربی و ضددینی، از مصادیق بارز ناامنی است که می‌تواند تمامی مرزهای هویتی جامعه و فرد را از میان بردارد. «آنچه می‌توان گفت ام‌الامراض است، رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۴۶).

۵. امنیت ملی: در اندیشه امام(ره)، اسلام و ایمان موضوع امنیت قرار می‌گیرد و تمام عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده جامعه اسلامی باید در جهت تعمیق، حفظ و حراست از آن از هیچ کوششی فروگذار ننمایند و همه انسان‌ها باید فدای آن شوند (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۱۵). ایشان مکتب را عامل قدرت مسلمین می‌دانند و ازهمین‌رو، با هرگونه سستی و اعوجاج در موضوعات مرتبط با مکتب، سرسختانه مخالفت می‌کند: «نباید راجع به مکتب یک کلمه‌ای کسی بگوید، اشتباه می‌کنند اگر می‌گویند مکتب چطور، تمام مقصد ما مکتب ماست و مسلمان‌های ما برای مکتب ماست که این‌طور قدرت دارند» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۷۶).

امام، مصداق امنیت را در رویکرد نظری اسلام و در رویکرد اجرایی و عملی جمهوری اسلامی می‌داند و حفظ و مراقبت از آن را مترادف با اسلام معرفی می‌کنند. از اینجاست که عبارت «حفظ نظام از اوجب واجبات است» معنا می‌یابد و حفظ اسلام در ایران و جمهوری اسلامی را از همه تکالیف بالاتر می‌دانند: «اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ



است و بزرگترین فریضه است بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۲۹).

سطح تحلیل امنیت: سطح تحلیل امنیت یا زاویه‌ای که امام از محل آن به قضایا و مسائل نگاه می‌کند، چندوجهی است و متوقف در یک سطح تحلیل نیست. این موضوع متأثر از مبانی معرفت‌شناختی ایشان است.

در بیانات امام و اندیشه‌های ایشان، تمامی سطوح تحلیل، از فرد گرفته تا جامعه و دولت و منطقه و جهان، لحاظ شده است. درعین‌حال، همه اینها در طول هم بوده و افتراقی بین آنها نیست. دلیل اصلی آن نقطه تمرکز معرفتی امام است. اصولاً جنس آن با سایر مکاتب متفاوت است و می‌توان گفت هیچ‌کدام از سطوح تحلیل اشاره‌شده اصالتی در نگرش امام ندارند. تنها می‌توان در هر موضوع خاص صرفاً تطبیق یا تناظری میان سطوح تحلیل مکاتب فعلی با سطح تحلیل امام برقرار نمود. برای نمونه، امام در مقایسه با ملت، بیشتر بر امت تأکید می‌کند و درعین‌حال، ملت را نفی نمی‌کند. از تدبیر در اندیشه‌های امام می‌توان گفت که سطح تحلیل اصلی امام، عقیده است:

«جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم؛ جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانی‌های مرفهین و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۶۸).

اهداف امنیتی: یکپارچگی جهان اسلام و شکل‌گیری امت واحده اسلامی و تشکیل حکومت جهانی اسلام، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و دین نبوی، حمایت مجدانه از مستضعفان و مظلومان جهان و گسترش اسلام نبوی و تشیع علوی در سراسر گیتی در راستای زمینه‌سازی و تمهید مقدمات ظهور امام عصر (ارواحنا فدا) و زمینه‌سازی برای جریان‌یابی کامل هدایت الهی در جامعه بشری را می‌توان از اهداف امنیتی امام نام برد (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۹۶).

مرزهای امنیتی: یکی از دیدگاه‌های صریح امام، نامحدودبودن مرزهای امنیتی است. ایشان امنیت را برای ایران، جهان اسلام و جهان مستضعفان و مظلومان از هر ملت و نژادی تعریف می‌کنند و خود را موظف به تحقق امنیت در این گستره می‌دانند. مرزهای امنیتی از نظر امام معطوف به جامعه بشری است. در این رویکرد، امام با دقت و ظرافت تمام، مرزبندی خود را با دولت‌ها مشخص و به حمایت از مردمان آن کشورها می‌پردازد.



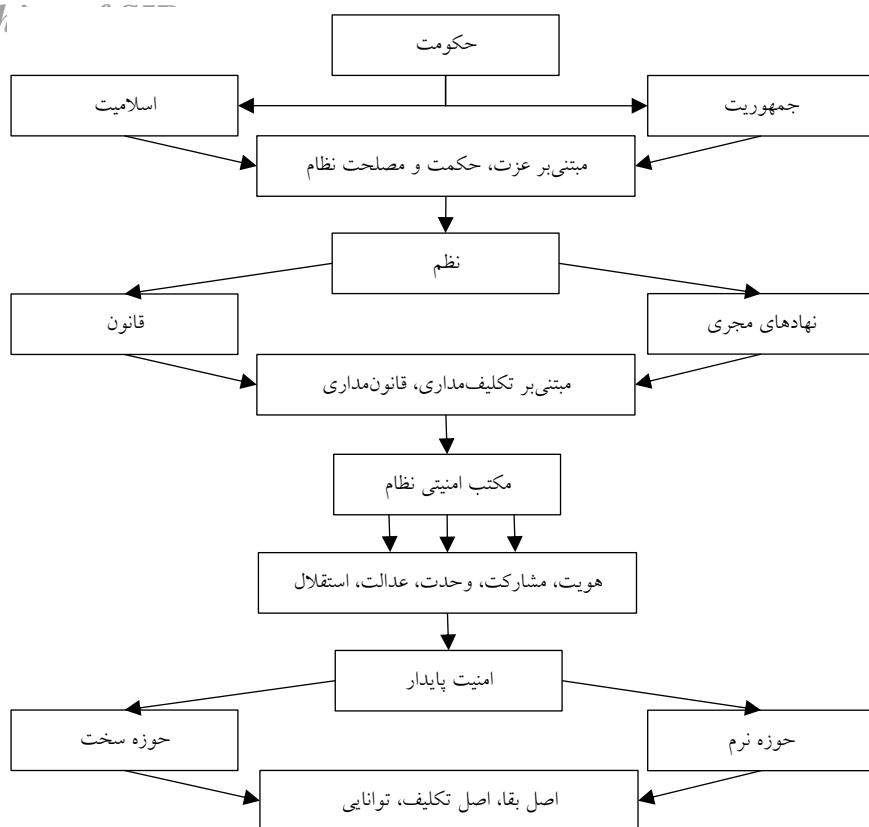
امام امنیت را به صورت غیرمتمرکز، نامتقارن و پخش شده تعریف می‌کند و خطوط اولیه نبرد را در درون کشورهای استکباری و شیطانی تعریف می‌کند. به این ترتیب، یکی از وجوه متمایز مکتب امنیتی امام از سایر مکاتب امنیتی، نوع تعریف مرز است. در نگاه امام، اگرچه مرز ضرورت دارد، اما اصالت با عقیده است (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۹۸).

مزایای امنیتی: از جمله مهمترین مزایای امنیتی این مکتب می‌توان به وجود روحانیت مبارز و متعهد به اسلام، نهادهای انقلابی، اخلاق محوری، باور به عنایات حق و یاری خدا، روحیه شهادت طلبی، اعتقادات مذهبی و توسلات و دعاها، ایمان، اعتقاد و انگیزه الهی و ارزش‌های انقلابی، روحیه استقلال طلبی و ظلم‌ستیزی، وجوب احکامی نظیر امر به معروف، نهی از منکر، باور و اعتقاد به صبر و شکیبایی انقلابی و قدرت و استقامت در ایستادگی مقابل استکبار، بیداری و هوشیاری ملت و آگاهی و شعور سیاسی مردم (بصیرت)، حضور مردم در صحنه‌ها، بسیج و سازماندهی جهان مستضعفان و پابرهنگان، حامیان جان‌برکف و حمایت روبه‌افزایش از اصول انقلاب اسلامی، آمادگی و حضور مردم برای جنگ، جهاد و مقابله با دشمنان و پشتیبانی و دفاع از اسلام، قران و انقلاب، نقش بسیج و ارتش ۲۰ میلیونی و اصل دفاع همه‌جانبه، تکلیف الهی و رضایت حق تعالی در برخورد با مسائل، توانایی‌های مادی ایران و دارابودن ایده و الگوی مقبول و فطری برای جامعه جهانی اشاره کرد (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۰۰ - ۹۹).

مدل مفهومی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران براساس دیدگاه مکتب امنیتی امام (ره)

باتوجه به مطالب پیشین که دربرگیرنده مستندات در دو بعد ادبیات مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ادبیات دیدگاه امنیتی حضرت امام (ره) بود، با روش تحلیل محتوا در بیانات حضرت امام و احصای کلیدواژه‌های مرتبط به‌همراه مستندات فوق چارچوب مدل مفهومی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، ترسیم می‌شود و چهار موضوع اساسی و ارکان تفکری امنیت یعنی: حکومت، نظم، امنیت و امنیت پایدار براساس دیدگاه‌های کارشناس محور طرح و در این چهار رکن کارگزاران امنیتی از طریق قضاوت خبرگی (مراحل تکنیک دلفی) مورد شناسایی و بررسی قرار خواهند گرفت:





مدل مفهومی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران براساس دیدگاه امنیتی حضرت امام (ره)

کارگزاران امنیتی

رابطه بین کارگزار و ساختار یکی از مسائل اساسی حاکم بر نظریات روش‌شناسی و معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی بوده است. در طول تاریخ بشر، اکثر متفکرین (غیر از چندی) بین این دو حوزه یعنی ساختار و کارگزار (عاملیت) جدایی قائل بوده‌اند. عده‌ای اصالت را به کارگزار و عده‌ای اصالت را به ساختار داده‌اند. گیدنز معتقد است که در رهیافت‌های جامعه‌شناختی خرد مانند تعادل‌گرایی نمادین، سوژه و کارگزار (عاملیت) دقیقاً مورد بررسی قرار نمی‌گیرد؛ چراکه در این نظریات پیش‌فرض گرفته می‌شود. درمقابل، مدل کارکردی درمورد کنش اجتماعی فرد، فردی را مدنظر دارد که به‌واسطه درونی‌کردن ارزش‌ها، به کنش می‌پردازد. این دو دسته نظریه هر دو به‌خطا می‌روند (Tucker, 1988: 80). از نظر گیدنز عاملیت به معنای نیت و مقاصدی نیست که افراد در انجام‌دادن کارها دارند، بلکه در درجه اول به معنای توانایی آنها برای انجام‌دادن این اعمال

است (کسل، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

به نظر گیدنز نباید مفهوم منطقی عاملیت را با مفهوم جامعه‌شناسی اجتماعی شدن^۱، اشتباه گرفت. اولی بخشی از این تفسیر است که بشر در وهله نخست چیست؟ درحالی که دومی، چیزی بسیار بیشتر از این تفسیر است که برای برخی اشخاص در برخی موقعیت‌ها و در نتیجه نفوذ و تأثیرات اجتماعی اطراف آنها چه رخ داده است. تأثیرات اجتماعی ماهیتاً شبیه روابط علی نیستند (پیرسون، ۱۳۸۴: ۱۳۹). غالباً تصور بر این بوده است که عاملیت انسانی را می‌توان فقط برحسب مقاصد تعریف کرد. این دیدگاه تاحدی معقول است، شاید به این دلیل که برخی از کنش‌ها واقع نمی‌شوند، مگر اینکه عامل، قصد انجام‌دادن آنها را داشته باشد (کسل، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

گیدنز منکر آن دسته از اثرات اجتماعی که بر رفتار مردم تأثیر می‌گذارند، نیست، اما معتقد است که مردم براساس طرز تلقی و دیدگاه‌هایی که دارند به‌گونه خاصی عمل می‌کنند. به اعتقاد گیدنز عاملیت، محدودیت را مسلم فرض می‌گیرد، اما آنچه فهمش دشوارتر است، این است که محدودیت نیز عاملیت را مسلم فرض می‌کند (پیرسون، ۱۳۸۴: ۱۴۸ و ۱۳۹). به نظر گیدنز «تنها عاملان واقعی در تاریخ، افراد انسانی هستند»، اگرچه می‌توان گاهی اوقات درباره جماعت‌ها به‌گونه‌ای صحبت کرد که گویی آنها نیز عاملند، اما این تنها یک بیان استعاری است و کیفیات خاصی را مفروض می‌گیرد (پیرسون، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

همچنین گیدنز عاملیت را یک جریان در نظر می‌گیرد، نه فقط انبوهه‌ای از کنش‌های فردی. بنابراین، زمان‌مندی با عاملیت انسانی گره خورده و لذا با فضا و مکان درارتباط است؛ زیرا عامل انسانی بدون کالبد نمی‌تواند وجود داشته باشد (پیرسون، ۱۳۸۴: ۱۵۷). تأکید گیدنز بر عاملیت انسانی در ساختن جامعه و بازسازی آن منکر هر نوع تبیین ساختاری و هر تصویری است که جامعه را دارای موجودیتی علاوه بر افراد بداند. طبق این نظر، تبیین کارکردگرایانه و نظریه‌های تکاملی نیز درنهایت مردود شناخته می‌شوند و گیدنز هر دو را نه‌تنها به پارسونز، بلکه به مارکسیسم نیز منتسب می‌داند (کرایب، ۱۳۷۸: ۱۳۶).

گیدنز به‌شدت می‌کوشد تا عاملیت را از نیت‌ها جدا سازد؛ زیرا می‌خواهد تأکید کند که کنش‌ها غالباً به نتایجی می‌انجامند که با آنچه نیت کرده‌ایم، تفاوت دارد. به عبارتی کنش‌های قصدشده، غالباً پیامدهای ناخواسته‌ای دارند. مفهوم پیامدهای ناخواسته نقش مهمی در نظریه گیدنز دارد و به‌ویژه در هدایت ما از سطح عاملیت به سطح نظام اجتماعی



بسیار اهمیت دارد (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۰۴).

گیدنز قدرت را به‌مثابه بخش اصلی منطق علم اجتماعی می‌بیند. بنابراین آنچه در واقع وجود دارد، عبارت است از عاملیت، ساختار و قدرت. عاملیت مبنای بنیاد قدرت است (پیرسون، ۱۳۸۴: ۱۴۶). بنابراین، تمام تعاملات اجتماعی مستلزم استفاده از قدرت به‌عنوان تضمینی ضروری از پیوند منطقی بین کنش انسانی و قابلیت تغییردهندگی است. قدرت در درون نظام‌های اجتماعی می‌تواند به‌عنوان ربط استقلال و وابستگی بین کنشگرانی تحلیل شود که ویژگی‌های ساختاری سلطه را بازتولید می‌کنند (Giddens, 1981: 28). قدرت در سطح ساختاری، از تقاطع منابع اقتداری و تخصیصی تولید می‌شود. اولی از طریق گسترش کنترل اجتماعی در راستای زمان/مکان، و دومی از طریق کنترل طبیعت، توسعه می‌یابد (پیرسون، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

در همین مفهوم است که گیدنز از «قابلیت تغییردهندگی کنش انسانی» سخن می‌گوید؛ اما در مفهوم محدود آن، گیدنز واژه قدرت را به‌معنای «قدرت‌بر»، در نظر می‌گیرد؛ به‌عبارت‌دیگر، قدرت را به‌مثابه سلطه برخی از افراد به دیگران، بررسی می‌کند (Jayasinghe, 2003: 9).

در مجموع می‌توان گفت: گیدنز در بررسی کنش و کارگزار تقدم را به ساختن تاریخ و کارگزاران سازنده تاریخ و جامعه داده است. کنشگر گیدنز در جریان عمل و به‌واسطه عمل ساخته می‌شود. از این‌رو کنشگر امری حاشیه‌ای و زائد بر جریان عمل نیست، بلکه در محور عمل اجتماعی قرار دارد. گیدنز از به‌کارگیری مفهوم کنشگر^۱ به‌لحاظ اینکه ممکن است صرفاً به کنش یک کنشگر اطلاق شود، اجتناب نموده و در مقابل از کارگزار اعم از کنشگر در سطح فردی، سطح گروهی و جمعی بهره گرفته است. از نظر گیدنز کارگزار توأم با کارگزاری^۲ یک جریان است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹).

کارگزار اشاره دارد به خصوصیات و شخصیت و توانایی‌های عاملان در درک، دریافت، دستیابی، تفسیر، تحلیل، ارزیابی و سنجش و اینکه به‌عنوان عامل بر جهانی که آنها را احاطه کرده است، تأثیر می‌گذارند. کارگزار، در واقع، بازیگری است که خود را محکوم به پذیرش چارچوب‌های ساختار نمی‌بیند و برای ایجاد تغییر تلاش می‌کند. هر ساختاری، کارگزاران خاص خود را دارد (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۳۵۳). به‌نظر می‌رسد جنبه ارتباطی کارگزار باید در ساختار مورد مطالعه قرار گیرد. رابطه کارگزار و ساختار در فعالیت‌های اجتماعی به سه دسته قابل تقسیم است:

1. Actor
2. Agency

۱. نظریه‌هایی که به اصالت ذهن یا کارگزار (عاملیت)^۱ در تحولات و مطالعات و تحلیل معتقدند. در این دیدگاه پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال آدمیان است و آدمیان عاملانی هستند که ارزش، اعتقاد، هدف، معنی، امر و نهی و احتیاط و تردید بر افعالشان حکومت می‌کند. به‌دیگرسخن، انسان‌ها موجوداتی هستند که دارای علم و نیت هستند و رفتار آنها مبتنی بر دلیل و سنجش و ارزیابی عاقلانه و محاسبه‌گرایانه است. این دیدگاهی سوژه‌محور است.

۲. نظریاتی که اصالت را به ساختار (عین)^۲ و ساخت اجتماعی می‌دهند و آن را عنصر تعیین‌کننده در تغییر و تفسیر مسائل می‌دانند.

۳. نظریاتی که اصالت را به رابطه بین کارگزار و ساختار می‌دهند و سعی در ایجاد ارتباط بین این دو عامل دارند.

گروه اول، کارگزاران و رفتار آنها را عنصر محوری در مسائل داخلی و خارجی می‌دانند. از این منظر، دیدگاه‌ها، اعتقادات، آگاهی و شناخت هویت فردی یا جمعی و رفتار، عامل بنیادی شکل‌گیری وقایع و حوادث و تغییرات در دو سطح داخلی و خارجی هستند.

گروه دوم که به ساختارگرایان مشهورند، شرایط اجتماعی، زمینه‌ها و ساخت اجتماع، طبقات و دولت و عواملی مانند اینها را تعیین‌کننده رفتار بازیگران و کنشگران و روابط اجتماعی آنها محسوب می‌کنند.

بالاخره دسته سوم، اصالت را به رابطه و پدیده‌هایی اطلاق می‌کنند که افراد را در کنار هم قرار می‌دهد تا جامعه ساخته شود. در این دیدگاه رابطه بین ساختار و کارگزار و اثرگذاری آنها بر یکدیگر و نیز تأثیر این رابطه بر ایجاد تغییرات و تحولات اجتماعی است.

در دیدگاه ساختار - کارگزار که بررسی آن از حوصله این نوشتار خارج است، بیشتر در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل (ازغندی، ۱۳۸۳) مطرح و کاربردش مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است. در این بین، نگاه اجتماعی اندیشمندان علوم اجتماعی نیز تأثیرپذیری از این ادبیات را برجسته ساخته است.

اگر بر این باور قرار گیریم که فهم از امنیت، توسط کارگزار استنباط می‌گردد و محیط کارگزار در تحولی ذهنی فهم شده و بر لایه‌های امنیت تأثیرگذار باشد، در این صورت سه سطح از کارگزار امنیتی قابل شناسایی خواهد بود:

سطح اول: کارگزار امنیت‌ساز؛ این کارگزاران قدرت تولید امنیت و ایجاد موج امنیت‌ساز را در قاعده‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری امنیتی کشور برعهده داشته و کانون‌های

1. Agency
2. Structure



امنیت‌ساز شمرده می‌شوند.

سطح دوم: کارگزارانی که سوژه‌های امنیت هستند. این دسته از کارگزاران تأثیرپذیرندگان موج اول بوده و پذیرش و یا عدم پذیرش آنان میزان تأثیرگذاری سطح اول را مشخص خواهد ساخت.

سطح سوم: عناصر و کارگزار ساختاری است (افراد منتسب به دستگاه‌های رسمی و غیررسمی): سطح سوم نقشی هیجانی ایفا کرده و با بیان مطلبی و یا نوشتاری، قدرت برهم‌زدن اجتماع و تزلزل در امنیت‌سازی را ایجاد می‌کنند. عناصر حزبی و نمایندگان مردم در این دسته قرار می‌گیرند. نکته‌ای که حایز اهمیت است، اینکه کارگزاران برشمرده‌شده با بهره‌گیری از روش زبانی بر کردار ذهنی افراد جامعه و لایه‌های اجتماعی تأثیر گذاشته و نقش تولیدکننده امنیت، پذیرش فضای امنیتی و یا عدم پذیرش و شکست امنیت را فراهم می‌سازند.

کارگزاران امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

بحث کارگزار و شقوق آن در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، ملهم از مدل مفهومی این مکتب در دیدگاه حضرت امام(ره) خواهد بود. برای رسیدن به دسته‌بندی منسجم در این خصوص، با دو دسته بازیگر اصلی در قالب کارگزار امنیتی مواجه خواهیم بود:

۱. بازیگران امنیتی‌کننده^۱: بازیگرانی هستند که با اعلام در معرض تهدید بودن موجودیت چیزی (یکی از موضوعات امنیت) با استفاده از یک کنش گفتاری مناسب مسائل را امنیتی می‌سازند، البته شاید تعیین دقیق بازیگران امنیتی‌کننده قدری مشکل باشد، به همین خاطر، مکتب برای حل این مشکل معتقد است که برای تعیین بازیگر امنیتی‌کننده باید به این نکته توجه داشت که چه منطقی کنش گفتار امنیتی را شکل می‌دهد. باید مشخص شود که یک کنش گفتاری امنیتی مطابق منطق فردی است یا کنش مطابق منطق سازمانی شکل گرفته است و آیا سایر بازیگران، فرد یا سازمان یادشده را مسئول می‌شناسند؟ به عنوان مثال، وقتی رئیس‌جمهور یک کشور، موضعی را اتخاذ می‌کند، باید دید در جهان دیپلماتیک، سایر بازیگران فرد و یا دولت متبوع وی را مسئول به‌شمار می‌آورند؟ لازم به توضیح است که در هر بخش توان بازیگران و نوع بازیگر امنیتی‌کننده می‌تواند متفاوت باشد، مثلاً در جامعه ایران و در حوزه اجتماعی، روحانیون به‌علت اقتدار سیاسی، فرهنگی و حتی اجتماعی که دارند بهتر از پزشکان از عهده امنیتی‌ساختن دین و یا فرهنگ بر می‌آیند؛ چراکه در این حوزه طبقه روحانیت محل رجوع مردم و شهروندان



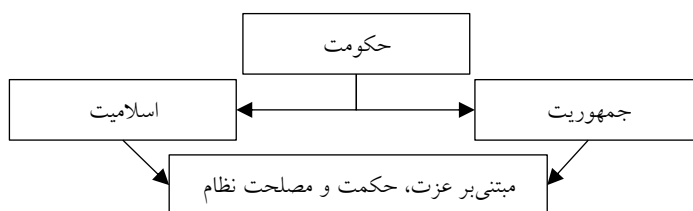
است. همین منطق نیز در سطح بین‌الملل حاکم است، بدین‌معناکه در بخش‌های مختلفی، بازیگران امنیتی‌کننده، متفاوت بوده و از حیث توانمندی جهت تحقق هدف امنیتی‌سازی جایگاه‌های مختلفی دارند، بنابراین، در بخش محیط‌زیست یک سازمان بین‌المللی طرفدار محیط‌زیست که دارای تخصص علمی کافی در این زمینه هم هست، درقیاس با یک سازمان نظامی - امنیتی مثل ناتو، با سهولت بیشتری می‌تواند افکار عمومی سازمان را درخصوص در خطر بودن محیط‌زیست بشر مجاب کند.

۲. بازیگران صاحب‌نقش: بازیگرانی که بر پویش‌های یک بخش تأثیر می‌گذارند. این بازیگران نه از موضوعات امنیت هستند و نه جزء بازیگرانی هستند که خواهان امنیتی انگاشته‌شدن یکی از موضوعات امنیت می‌شوند، ولی تأثیر چشمگیری بر تصمیمات متخذه در حوزه امنیت می‌گذارند (بوزان، ۱۳۸۶: ۷۴). این نوع بیشتر در دسته دوم ساختارگرایان مطرح می‌گردند. سازمان‌های مردم‌نهاد، واحدهای آموزش و نظایر اینها در این قسمت جای می‌گیرند.

با این مقدمه در این قسمت به دسته‌بندی کارگزاران امنیتی در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران براساس مدل برشمرده، خواهیم پرداخت. روش نوشتاری استنتاج مطالب بازیافته از فضای تأثیرگذاری کارگزاران و تجارب مفهومی کارشناسان در بازتعریف و چینش مفاهیم در روندی مصاحبه‌گونه بوده است.

اگر مدل مفهومی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر اساس دیدگاه مکتب امنیتی امام(ره) را به چند لایه تقسیم کنیم، نقش و سطح تأثیر کارگزاران امنیتی مشهودتر خواهد شد:

لایه اول: حکومت



در این لایه ما با دو دسته کارگزار امنیتی روبه‌رو خواهیم بود:

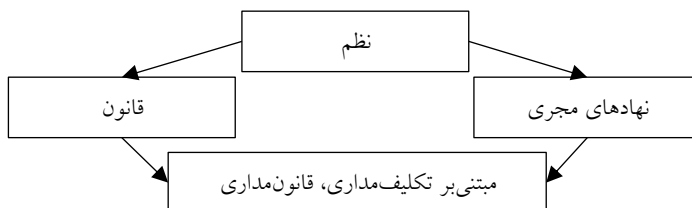
دسته اول، کارگزاران رسمی امنیت می‌باشند که پیش‌ازاین تحت عنوان کارگزار امنیت‌ساز از آنها نام برده شد. این کارگزاران قدرت تولید امنیت، و ایجاد موج امنیت‌ساز را در قاعده‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری امنیتی کشور برعهده داشته و کانون‌های امنیت‌ساز شمرده می‌شوند. دسته کارگزاران امنیتی رسمی، نهاد ولایت فقیه، روحانیت



اصیل (مرجعیت) و سران سه قوه را شامل می‌گردد.

دسته دوم، کارگزاران غیررسمی بوده که در مفهوم حمایت ملی و افکار عمومی خود را نشان داده و در قالب مشارکت مردمی قابل تحلیل خواهد بود (افکار عمومی و دیپلماسی عمومی).

لایه دوم: امنیت اجتماعی (نظم و قانون‌مداری)



در این لایه بیشتر با عناصر و کارگزار ساختاری روبه‌رو بوده و کارگزار صاحب‌نقش اولویت پیدا می‌کند. کارگرانی که بر پویس‌های یک بخش تأثیر می‌گذارند. این کارگزاران بیشتر قالب نهادمندی داشته و در ترتیبات اجتماعی و رویه‌های شهروندی و حاکمیتی در تنظیم قواعد و اجرای آن صاحب‌نقش می‌باشند.

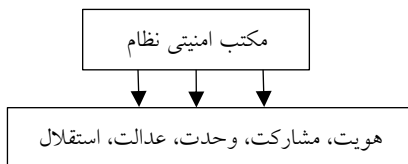
لایه دوم به سه سطح یا دسته قابل تقسیم می‌باشد:

دسته اول: کارگزاران رسمی تأمین امنیت اجتماعی که از آنان تحت عناوین قوای انتظامی (پلیس)، نهادهای قانونی و قضایی، نهادهای آموزشی و نظایر اینها یاد می‌کنند.

دسته دوم: کارگزاران عرفی، منظور بیشتر ساختارهای ارزشی و عرفی جامعه است که ترتیبات اجتماعی و نظم اجتماعی را در چارچوب قوانین و در فرایند تکمیل فعالیت نهادهای مجری برعهده داشته و در قالب نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه، نمود ندارد. وجدان جمعی، همکاری اجتماعی و نظایر اینها در این باب قرار می‌گیرند.

دسته سوم: کارگزاران امنیتی غیررسمی، این دسته از کارگزاران در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد، هیئات و کانون‌های دینی (محافل دینی) قرار گرفته و تنظیم ترتیبات اجتماعی را در دو رویکرد تکلیف‌مداری و قانون‌مداری برعهده دارند. تفاوت دسته دوم با این دسته که همپوشانی زیادی با هم دارند، در این است که دسته دوم یا تکلیف‌مدارند و یا قانون‌مدار، اما دسته سوم هر دو مؤلفه را با هم باید دارا باشند.





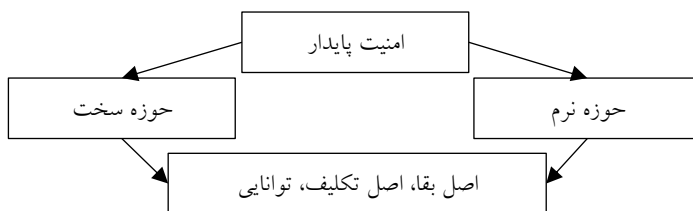
لایه سوم بیشتر نگاه گفتمانی داشته و بازیگران امنیتی را در قالب دکترین‌های (رهنامه) حاکم بر نظام سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی امنیتی کشور مطرح می‌کند. بازیگران مکتب امنیتی نظام شامل، آراء و نظریات کارشناسان (نظریه‌پردازان آکادمیک)، مدیران اجرایی، و فرایند جریان‌های سیاسی حاکم در گفتمان‌های هر دوره حاکمیت (یک جریان رشد و نمونموده) بوده و در قالب سیاست‌ها، شعارها و رویه‌های هر دوره حکومت قابل طرح و بررسی خواهد بود. در دسته‌بندی این کارگزاران نیز محورهای زیر مدنظر می‌باشد:

دسته اول: کارگزاران کارشناس: موج‌های گفتمانی طبقه متوسط حاضر در کانون‌های علمی و دانشگاهی کشور در قالب مؤسسات، مراکز تحقیقاتی و نظایر اینها.

دسته دوم: کارگزاران رسمی: شامل کلیه مسئولین اجرایی، مقننه و قضایی که درصدد ایجاد گفتمان‌های زیرمجموعه گفتمان اصلی نظام و تنظیم دکترین‌های شخصی و سازمانی بوده و در قالب هویت‌سازی، مشارکت مردمی، وحدت و عدالت و مواردی اینچنین رویکرد نظری خود را برجسته می‌سازند.

دسته سوم: کارگزاران شبکه‌ای: این کارگزاران که کارگزاران حلقوی نیز نامیده می‌شوند، در قالب تنظیمات جدید جامعه‌های مردمی به‌عنوان حلقه واسط بین دولت و مردم قرار گرفته و وظیفه انتقال دکترین‌ها و گفتمان‌ها را از طرف دو جریان مردمی و دولتی با رعایت چارچوب نظام امنیتی و ارزشی برعهده دارند. احزاب سیاسی، سندپکاها و اصناف، گروه‌های فشار و لابی‌ها در این دسته از بازیگران امنیتی قرار می‌گیرند.

لایه چهارم: امنیت پایدار



در تنظیم کارگزاران و ترسیم آنها در جنبه‌های مختلف امنیت‌سازی جامعه آخرین لایه دربرگیرنده امنیتی پایدار و تأثیرگذار مبتنی بر اصل بقا، تکلیف و توانایی در ایجاد و تثبیت، حفظ و گسترش، پایداری و انسجام خواهد بود.

محاصل فعالیت و سطح موفقیت کارگزاران لایه‌های سه‌گانه، تنظیم‌کننده کارگزاران این لایه خواهد بود. به عبارت دیگر اگر ما کارگزاران پیش‌بین شده را بازیگران عینی بدانیم، کارگزاران این لایه، بازیگران ذهنی خواهند بود که تأثیرات امنیت‌ساز و امنیت‌سوز کارگزاران پیش‌بین شده ترتیبات تنظیم امنیت پایدار را مشخص می‌سازد. به عبارتی می‌توان گفت کارگزار امنیتی در امنیت پایدار ادامه فرایند حفظ و تثبیتی است که در عملکرد کارگزاران واحد انسانی، سازمانی، ارزشی و جریانی شاهد آن بوده و نتیجه عملکرد آنها برآیند امنیت‌سازی در امنیت پایدار را مشخص می‌سازد.

جمع‌بندی

در پاسخ به سؤال‌های تحقیق باید اذعان داشت بحث کارگزاران امنیتی از مباحث جدید در حوزه ادبیات امنیت ملی بوده و بیشتر در فضای ساختاری و در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مطرح شده است. در این مقاله، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و فن دلفی بر مستندات موجود در دو حوزه اندیشه امنیتی حضرت امام (ره) و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مدل مفهومی احصا و کارگزاران در سطوح فردی (واحد انسانی)، ملی (واحد کشوری)، رسمی (نهادهای رسمی کشور در سه قوا و نهاد رهبری)، غیررسمی (جریان‌ات و حرکت‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی) و در نهایت رویکردهای ارزشی (فرهنگ، عرف و باورهای فردی و جمعی) مشخص و کارکردهای آنان بیان شد.

پاسخگویی به سؤالات گوناگون در این فضا از جمله: تعارض میان کارگزاران امنیت چگونه رفع می‌گردد؟ جایگاه بسیج در کارگزاران امنیت چیست و کجاست؟ مقابله کارگزاران با چالش‌های امنیتی چگونه است؟ و نظایر اینها دغدغه‌هایی است که در بحث کارگزار مکتب امنیتی باید بدان پرداخته شود.

در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، حضور و مشارکت گسترده مردم و به‌ویژه جوانان، محدوده تنگ امنیتی را تحت تأثیر خود قرار داده و آن را از حالت انحصار به نیروهای رسمی خارج ساخته و به یمن احساس مسئولیت همگانی، مقوله امنیت ملی در چارچوب دفاع از انقلاب و آرمان‌های بلند آن جنبه عمومی به خود گرفته است. شاید این امر وجه تمایز جدی بین مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در بعد کارگزار امنیتی با سایر مکاتب مطرح جهان باشد که نقطه ثقل آن نیز بر بسیج و رویکردهای مردمی نظام



اسلامی مترتب است. ناپایداری و ناکارآمدی امنیت حاصل از اجبار و درونی شدن نظم از ویژگی‌های مهمی است که در برجسته‌نمودن بسیج در تأمین و به‌کارگیری کارگزار امنیتی مؤثر است. در عرصه پیشنهادات می‌توان عنوان داشت:

با توجه به جوان بودن و یا حتی نوجوان بودن بحث کارگزاران امنیتی و تحلیل آن در مکاتب امنیتی، به‌نظر می‌رسد این نوشتار جستاری اولیه در تنظیمات یک برد مطالعاتی در حوزه امنیت ملی خواهد بود. از این‌رو، پرداختن به چنین موضوعاتی در عین نو و جوان بودن می‌تواند فضای دانشی جدیدی را در مباحث امنیتی کشور، باز نماید. امید آنکه اندیشمندان حوزه امنیت در هرچه‌بیشتر غنابخشیدن به این موضوع اهتمام ورزیده و در ارتقای مکتب امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران مؤثر واقع شوند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چاپ ششم، تهران: انتشارات سروش.
- ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۳)، *سازه‌گرایی: چارچوبی تئوریک برای فهم سیاست خارجی ج.ا.ا.*، دانشنامه حقوق و سیاست، سال اول، ش ۱.
- افتخاری، اصغر و قدرت‌آبادی علی‌رضا (۱۳۹۵)، *سازمان‌های اطلاعاتی و افکار عمومی؛ راهبردی برای امنیت‌سازی*، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، سال پنجم، ش ۱۹: ۱ - ۱۵.
- امیرخانی، کاوه (۱۳۹۰)، *مکتب امنیتی امام خمینی(ره)*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، ش مسلسل ۵۴: ۷۹ - ۱۰۴.
- بهنام، علی (۱۳۸۹)، *موضوع امنیت در نگاه امام خمینی(ره)*، تهران: بی‌نا.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیطرف، سیدعطاءالله (۱۳۸۹)، *مدل‌سازی مبتنی بر نظریه در علوم اجتماعی و کاربرد آن*، اصفهان: دانشگاه صنعتی اصفهان.
- پیرسون، کریستوفر (۱۳۸۴)، *معنای مدرنیت، گفتگوی کریستوفر پیرسون با آنتونی گیدنز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: انتشارات کویر.
- تجری، اصغر و همکاران (۱۳۹۳)، *منشأ امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم*، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال پنجم، ش ۱۹: ۱۴۱ - ۱۵۴.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳)، *امنیت در قرآن و سنت*، قم: انتشارات زمزم هدایت.



- خسروی، علی‌رضا (۱۳۹۱)، مکتب امنیتی امام خمینی (ره): مبادی و مبانی فرائضی و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دری نجف‌آبادی، قربانعلی (۱۳۸۱)، حکومت علوی، هدف‌ها و مسئولیت‌ها، تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- صابردوست، مهناز (۱۳۹۰)، تحلیل سیاست خارجی ایران در حوزه مسائل هسته‌ای براساس چارچوب ساختار - کارگزار ۱۳۸۰ - ۱۳۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
- فوزی، یحیی (۱۳۷۹)، امام خمینی و هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، ش ۴: ۶۱ - ۸۶.
- فینی‌زاده بیدگلی، جعفر؛ خادم‌دقیق، امیرهوشنگ و شفیعی‌نیا، محمدشفیع (۱۳۹۵)، بررسی ویژگی‌های امنیتی‌شدن یک پدیده در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، سال پنجم، ش ۱۷: ۱۱۱ - ۱۳۸.
- قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۳)، حکومت‌نامه علی (علیه‌السلام)، ج ۱، قم: دفتر نشر معارف.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷)، بررسی رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ازمنظر مسئله کارگزار - ساختار، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۱، ش ۲، شماره مسلسل ۴۰: ۳۴۹ - ۳۷۶.
- قیصری، نورالله و حسینی، سیدمهدی (۱۳۹۲)، ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار: مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، ش ۷۱: ۲۰ - ۱۰۸.
- کرایب، یان (۱۳۷۸): نظریه‌های مدرن در جامعه‌شناسی، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات سروش.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۲)، چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ققنوس.
- لکزایی، شریف (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت‌فقیه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۰)، مکتب سیاسی اسلام: ضرورت و چیستی نظام سیاسی اسلامی (مصاحبه)، مجله سوره، ش ۲: ۱۰۷ - ۱۱.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۰)، فقه و امنیت، فصلنامه فقه، ش ۷۰: ۴۵ - ۸۶.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.



- Giddens, Anthony (1981): A Contemporary Critique of Historical Materialism, USA, University of California Press.

- Jayasinghe, Kelumk, (2003): "Structure and Agency in Entrepreneurship Research-An alternative research framework". In Ninth International Conference on Srilanka studies, -

- Tucker, Jr, Kenneth H.(1998):Anthony Giddens and Modern Social Theory, London, Sage Publication

